

سر مقاله

بمناسبت شصت و هشتمین سالگرد
انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

شوراهای وقدرت سیاسی

۲۵ اکتبر ۱۹۱۷، پرولتاریای روسیه برهبری بلشویکها با یک اقدام قاطع انقلابی به کلیه گنج سریها و تزلزلات خورده بورژوازی که در سازش با بورژوازی

بقیه در صفحه ۴

انتخابات مجلس و مسئله تضادهای رژیم

با نزدیک شدن انتخابات "مجلس شورای اسلامی" در گیریها و تضاد های درونی رژیم افزایش چشمگیری یافته است. هر یک از جناحهای رقیب، تلاش دارد تا با تصاحب کرسی های بیشتری از مجلس و بالنتیجه کسب قدرت بیشتر در ارگای نهایی دولتی، منافع طبقاتی خویش را تضمین و تأمین نماید.

اساساً تضادهای فوق چیزی نیست جز تضاد جناحهای مختلف بورژوازی

بقیه در صفحه ۲

دانشگاه

از سنگر آزادی نالانه ارتجاع

در استانه گشایش رسمی دانشگاهها، گذری کوتاه بر وقایع پس از اردشخت خونین ۵۹ و بسته شدن دانشگاهها و چگونگی پیشبرد سیاستهای سرکوبگرانه رژیم از ان مقطع تا کنون ما را یاری میرساند تا عمق وحشت رژیم را از این دانشگاهها و چگونگی پیشبرد

بقیه در صفحه ۷

نامه یک رفیق به نشریه کار

خاطراتی از رهبران حزب توده در زندانهای شاه

سنت ندامت کردن در حزب توده ایران

ایا رهبران حزب توده برای اولین بار به اظهار ندامت پرداخته اند؟ پس از کودتا ۲۸ مرداد، حضور افسران حزب در زندانها و رژیم شاه شروع به دستگیری اعضا، دستگیر شده بطور نسبی عادی بود، اما بعد از ضربه خوردن سازمان افسران حزب توده که ستون سازمان افسران حزب توده که ستون

بقیه در صفحه ۹

در این شماره

یادداشت های سیاسی
صفحه ۱۶

ضمیمه خبری کار
صفحه ۴

پاسخ به سوالات
صفحه ۳

کمیته های مخفی اعصاب را برای برپائی یک اعصاب عمومی سیاسی ایجاد کنیم

انتخابات

بقیه سر مقاله

درون حاکمیت و مسئله دست یابی مجلس، نیز بدین معنا نیست که مجلس قدرت فائده در حاکمیت را نمایندگی میکند بلکه این شورای نگهبان است که مصوبات مجلس را تأیید یا مردود می‌شمارد و سپس از گذار از این مرحله است که مصوبات قابل اجرا میگردد .

جناح حجتیه بر این تصور است که با دستیابی بر اکثریت مجلس میتواند انطباق مجلس با شورای نگهبان را موجب گردد و بقول خمینی اساساً "قانونی خلاف مواضع شورای نگهبان به تصویب مجلس نرسد که لازم به وتوی شورای نگهبان باشد و مسئله‌ای نظیر دلتی شدن تجارت خارجی و . . . پیش نیاید که مجلس تصویب کند و شورای نگهبان اثر خلاف " موازین شرع " تشخیص دهد .

و اما جناح رقیب نیز بر این تصور است که اگر بر کرسی‌های اکثریت مجلس دست یابد میتواند با توسل به احکام ثانویه و دیگر توجیهات اسلامی نقش شورای نگهبان را کاهش داده و سیاستهای خویش را به پیش برد و از آنجا که مسئله انتخاب و تأیید کابینه از سوی مجلس مطرح است مسئله انتخابات مجلس برای تمامی جناحهای رقیب مسئله بسیار عمده‌ای شده است .

همچنانکه در مقالات گذشته کار و از جمله در مقاله کسب کابینه در رابطه با تضادهای درونی

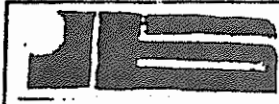
رژیم متذکر شدیم، جریان حجتیه از آنرو که در کابینه در اقلیت قرار گرفته بود و نمیتوانست بشیوه خود اعمال قدرت نماید با مانور عقب نشینی برخی عناصر آن از جمله عسکر اولاد یوزیم - بازرگانی و توکل و وزیر کار از کابینه و قدرت دلتی، سعی کرد در فرصتی مناسب وارد عمل شود و اکنون این موقعیت پدید آمده است تا با دستیابی بر مجلس مورد نظر و یکپارچه اعمال قدرت نماید چرا که شورای نگهبان را نیز در وجه غالب با خود همسو میبیند همچنین در آن مقاله گفتیم که دلت نیز از یک سلسله تظاهرات و حرکات توده ای منجمله در افسریه، خاکسفید، شهرکتهای اطراف کرج و . . . سود جست تا چنین وانمود سازد که تمامی نابسامانیهای موجود ناشی از وجود این دو وزیر بوده و کناره گیری آنها نیز بهمت دولت صورت گرفته و با طرح این موضوع که نارضایتی توده‌ها از این پس مرتفع خواهد شد و مشکلات کنونی دیگر وجود نخواهد داشت سعی کرد توده‌ها را بفروید و البته تمامی وعده و وعیدها پس از سرکوب اشکار حرکات توده‌ای صورت گرفت .

اکنون دولت در تداوم این سیاست و تحت پوشش مبارزه با محترکین و تجار، دست به یک سلسله دستگیریها از جناح رقیب زده است که این موج دستگیریها در سطح سران و مسئولین مملکتی که بنحوی در ارتباط با عناصر حذف شده از

کابینه قرار میگیرند میباشد و شامل معاونین برخی وزارت خانه ها، نمایندگان مجلس، مسئولین اید - فولژیک ارگانهای سرکوب و . . . را شامل میشود . از جمله طی دو ماه گذشته شفیق معاون وزارت بازرگانی (معاون وزیر بازرگانی سابق عسکر اولاد یوزیم)، جواد منصور معاون سیاسی وزارت خارجه، رخ صفت رئیس سازمان اقتصاد اسلامی (متشکل از - تجار بزرگ بازار)، پوراستا نماینده مجلس و همچنین دیگر نمایندگان مجلس خاموشی (البته ایشان دستگیر نشده فقط برای وی قرار ۵۰۰ میلیون تومانی صادر شده است)، رفیق دست رئیس دایره سیاسی ایدئولوژیک سپاه و برادر محسن رفیق دست وزیر سپاه، لاجوردی برادر دژخیم اوین جزو دستگیر شدگان میباشد . تعدادی از آنها با سپردن وثیقه آزاد شده و برای عسکر اولاد یوزیم یک میلیارد تومانی صادر شده و برای جلوگیری از تبلیغات ایشان دستگیر نشده است . همچنین معاون نخست وزیر در امور اصناف (فیوران) مستقر در نخست وزیری که جزو باند حجتیه بوده است نیز دستگیر شده و این بخش در نخست وزیری منحل اعلام گردیده است .

حکم دستگیری این عناصر از سوی دادگاه ویژه امور صنفی صادر شده یعنی حجت الاسلام عزیزیان که از نزدیکان موسوی نخست وزیر میباشد و همانطور که متذکر شدیم این دستگیریها ظاهراً در ارتباط با مسئله گرا - بقیه در صفحه ۱۴

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



پاسخ به سوالات

کار و کارگران و زحمتکشانش و هواداران

لی هفته های اخیر ، انتقادات عددی از سوی رفقا دریافت کردیم که اعلامیه مربوط به حمله سلحخانه به سفارت ژاپن مندرج در کار شماره ۱۷۲ را مورد انتقاد باز داده بودند . عمده انتقادات مضمون اعلامیه و به درکی بود که از امپریالیسم ارائه شده بود . برخی از رفقا نیز علاوه بر انتقاد به مضمون اعلامیه ، نقس این عملیات را نیز نام درست و خارج از مصوبات کنگره پیرامون جوخه های رزمی و عملیات رزمی مجاز از سوی پیشاهنگ انقلابی ارزیابی کرده بودند . در اینجا سعی خواهد شد ابتدا درک ارائه شده در اعلامیه مورد نقد و بررسی ترار گیرد و مسئله ارزیابی نوع عملیات و فرصتی دیگر ماکول خواهد شد . خاطر شود که رفقا مطرح کرده اند ، در عین اینکه در این اعلامیه به حمیمات کنفرانس ویلیامزبورگ متشکل از کلیه امپریالیستها اشاره کرده و مطرح میکند که ژاپن ماموریت یافته تا از طریق شرکت های چند ملیتی به حفظ و حراست از منافع امپریالیسم جهانی بپردازد متأسفانه در قسمت پایانی اعلامیه شاهد این جمله هستیم که " مبارزه با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا از کانال مبارزه با امپریالیسم ژاپن میگذرد . چنین درکی از مبارزه با امپریالیسم جهانی به نفی نقش سرمایه جهانی و عملیات شرکت های چند ملیتی در حفظ منافع

امپریالیسم جهانی منجر شده و پیوند امپریالیسم را با سیستم موجود خارج از مرزها جستجو میکند و سرانجام مبارزه با امپریالیسم را نه در مبارزه با سرمایه داری وابسته و رژیم حامی آن که در مبارزه با امپریالیسم ژاپن میبندد . حال آنکه در عصر امپریالیسم و بویژه پس از جنگ جهانی دوم و پایان یافتن قاطع سلطه استعماری بر جوامع مستعمره و یانیمه مستعمره تداوم استعمار بطور عمده از کانال روابط سرمایه جهانی (و بطور مشخص از طریق شرکت های چند ملیتی و بصورت صدور سرمایه ، صدور کالا و تصاحب بازار و صدور تکنولوژی و بیچنگ آوردن منافع زیر زمینی اینگونه کشورها صورت میگیرد . دیگر تفاوت چندانی ندارد که اینگونه شرکتها از طریق قرار داد با کدام کشور وارد عمل شوند البته ملاحظات سیاسی و ارزیابی روحیات توده ها مورد توجه امپریالیستها قرار خواهد گرفت اما مسئله اساسی نقش و رابطه اسارتبار سرمایه است که تداوم وابستگی را تضمین کرده و منافع امپریالیستها را رقم میزند . دیگر تفاوت نمیکند که قرار داد های اسارتبار با ژاپن منعقد شود یا با برزیل و اروگوئه و پاکستان و ترکیه و تایلند ، تمامی این کشورها در زنجیر بهم پیوسته سرمایه جهانی بیکدیگر مرتبط گشته و بهم گره خورده اند فی المثل هم اکنون بدلیل رسوائی امپریالیسم آمریکا در پیشگاه خلق

قهرمان ایران رژیم جمهوری اسلامی حتی امکان وارد قرار داد مستقیم با آمریکا نمیشود و از طریق کشور های تحت سلطه آمریکا تحت پوشش های گوناگون وارد میشود مثلاً قرار داد با پاکستان و ترکیه که دو کشور کاملاً دست نشانده آمریکا هستند عنوان کشورهای مسلمان و همجوار بخود میگیرد و قرار داد های متعدد با دیگر کشورهای تحت سلطه نظیر برزیل ، آرژانتین ، اروگوئه ، تایلند و همچنین کشورهای امپریالیستی نظیر آلمان ، انگلستان ، فرانسه ، و ژاپن و نه تنها منافع امپریالیستها را تأمین میکند بلکه کل جهان امپریالیستی و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا سود میجویند هر گونه قرار داد با هر یک از کشورهای امپریالیستی و تحت سلطه بمفهوم غارت دسترنج توده ها استم دیده - ایران بوده و انحصارات امپریالیست کارتلها و تراستهای بین المللی از طریق هر کشوری که در مدار امپریالیسم قرار دارد وارد عمل شوند منافع آنها بحیث کلیه کشورهای امپریالیستی سرازیر میشود . هر چند که گهگاه تضادهایی بین انحصارات امپریالیستی که در رأس دول امپریالیستی قرار دارند بروز میکند که در چهار چوب سیاستهای متفاوت در شیوه استثمار و سبب کوب میگردد اما کلیه امپریالیستها

بقیه در صفحه ۱۴

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

شوراها و ...

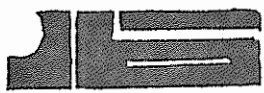
بقیه از صفحه ۱

بسط دامنه انقلاب را مختل کرده و جامعه را به ورطه هلاک و نیستی میکشاند، فائق آمد . انقلاب اکتبر نتیجه فرآیندی انقلابی است، که طی آن بسیج توده ها حول عمل مستقیم انقلابی سازماندهی توده های و مشارکت حداکثر توده ها در زندگی اجتماعی - سیاسی بکمال رسید و مبارزه حاد طبقاتی که عمده " از طریق احزاب بنساز می شد، به چنان درجه ای از بلوغ رسید که در یک جامعه نسبتاً عقب مانده، (در مقایسه با اروپا و در ضعیف ترین حلقه زنجیره امپریالیستی اولین گت تام و تمام تاریخی که به استقرار دیکتاتوری پرولتاریا انجامید حاصل شد .

انقلاب اکتبر در سهای گران قدری را فرا روی پرولتاریا و پيشاهنگی قرار داده است، که از آن پس این در سها و تجارب همچون چراغ راهنمایی بر خدمت تدوین و اجرای خط مشی و تاکتیکهای انقلابیون کمونیست در - اح جهان قرار گرفته است . محور و مرکز ثقل مبارزه طبقاتی و بویژه از انقلاب فوریه تا اکتبر مساله قدرت سیاسی است . و حوال عمده مساله اساسی

هر انقلاب است که عدد ترین مبارزات ابقاتی و حاد ترین بر خورد ها مابین احزاب اعم از انقلابی و ضد انقلابی بوقوع می - پیوندد . صف آرائی نیروهای ابقاتی و احزاب در فاصله فوریه و اکتبر و چگونگی بر خورد اینان با مساله قدرت سیاسی اس و اساس سر نوشت انقلاب را رقم زده . ماهیت ابقاتی احزاب و چگونگی در کشان در بر خورد به قدرت سیاسی فطری از تاریخ را بیخ روی پرولتاریا جهانی گسترانیده که پر بار ترین آموزشهای مار کسیتی از آن منتج میشود . و اساس این آموزشها همانا چگونگی بر خورد با قدرت سیاسی است . همانا چگونگی بر خورد ابقات و احزاب به این مساله اساسی انقلاب است که سر نوشت - انقلاب، بیروزی و یا شکست را بر انجام قلمی خود می رانند . " مساله قدرت افزه رفتنی نیست و نمیتواند نا دیده گرفته شود . چرا که این مساله کلیدی تعیین کننده هر اهرمی در رشد انقلاب میباشد داخلی و خارجی آن میباشد" (۱) اما صرف نظر از موضع ابقاتی نیروها و احزاب، درك از مساله قدرت سیاسی همواره سهل و شفاف نمیباشد . و این امر نه تنها در مورد قدرت سیاسی حاکم مابق است، بلکه در مورد ان قدرت

سیاسی که شرائط عینی و ذهنی جامعه آنرا ایجاب مینماید و برای استقرار آن باید تدارک دیده، نیز صحیح میباشد . بدون درك روشنی از این مساله و توضیح این امر برای توده ها نمی توان از مشارکت آگاهانه توده ها در امر انقلاب سخن گفت . بمان آورد - انقلاب یک دیگر - گونی کیفی در واقعیت ایجاد است که بر انجامی معین فرا میرود و از این لحاظ مشارکت آگاهانه توده هائی است که آگاهانه و داراللبانه به این دگر گونی واقف گشته و آنرا به فرجام میرسانند . و از همین جا است که درك از قدرت سیاسی حاکم و نیز آن قدرت سیاسی که باید جایگزین قدرت سرنگون شده شود، از اهمیت درجه اول برخوردار میشود . و در همین شناخت و درك از قدرت سیاسی است که نه تنها توده بلکه، حتی گاه عناصری از پيشاهنگ نیز دچار سر گشتگی و سلی نگری شده و قدرت واقعی را از قدرت ظاهری تشخیص نمی دهد و از درك ممنون قدرت جانشین و میبماند کار عظیم بلشویکها بر هبیری لندن حتی در همین مساله متوجه غلظه خود - کنار زدن برده ابها



شوراها و ...

بقیه از صفحه ۴

و اوهام از چهره دولت موقت، در هم کوفتن عبارت پردازیهای زیبای اس-ارها و منشویکها که توده هارا در هر گام از شناخت طبیعت اصلی قدرت سیاسی حاکم مانع میشدند و مبارزه با توهنات خرده بورژوازی در باره قدرت سیاسی از یکسو و از سوی دیگر تبیین آن قدرت سیاسی و فقط آن قدرت، که ببط دامنه انقلاب و پیروزی قطعی انقلاب، فقط و فقط توسط آن میتواند میسر شود و فقط از آن طریق است که باز گشت سلطنت و ارتجاع بکلی منتفی میشود و نشان دادن ضرورت استقرار این قدرت سیاسی به توده ها، در هر گام عملی مبارزاتیشان و از طریق شواهد روز مره، و بکار گیری تاکتیکها متناسب با این هدف.

در ادامه نگرش بر رویدادها، موقعیت توده ها و احزاب و نقش بلشویسم در بطن انقلاب از فوریه تا اکتبر بر پایه ای از مهمترین ستاوردهای نظری و عملی بلشویسم پیرامون شوراها و قدرت سیاسی تاءکید میکنیم.

۱

بر بستر جنگ امپریالیستی ه از هم باشهدگی اقتصادی و اجتماعی هر دم فزونی می گرفت و فقر و مسکنت زایدالوصف توده هارا به میدان کارزار روبروئی با رژیم فرعون تزار میکشاند و بورژوازی روس و امپریالیستهای انگلیسی و فرانسوی نیز که ادامه حکومت تزاری را در جهت منافع آستانه نمی یافتند در صدد جایگزینی سلطانی دیگر بودند. لنین در این باره میگوید: "کارگران انقلابی برای انهدام سلطنت پلید تزاری کوشیده و بمیزان قابل ملاحظه ای آنرا منهدم نموده و تا آخرین خشت منهدمش خواهند کرد، بدون اینکه ضعف یا شرمی به آنان دست دهد که در لحظات تاریخی معین و کوتاهیکه از لحاظ اوضاع و احوال خود جنبه استثنائی دارد، کمائی نظیر کوچک همیلیون و شرکا، با مبارزه خود در راه تمویض سلطانی با سلطان دیگر (که ترجیح میدهند از همان رومانفها باشد) بکمک آنها مایند" (۲) همین صف بندی نیروها اساساً متخاصم طبقاتی که در يك لحظه مشخص تاریخی آنها را در سرنگونی حکومت تزاری هم راستا

قرار میداد، پس از انقلاب فوریه خود را در قدرت دو گانه متبلور میکند. از یکسو زمانی که تزار از سلطنت کناره گیری می نماید، دولت موقتی تشکیل میشود که قدرت سیاسی طبقه زمینداران سرمایه دار و بورژوازی را نمایندگی میکند و از سوی دیگر، و قبل از کناره گیری تزار، کارگران و سربازان که طی يك سلسله اعتراضات منجم شده بودند به تشکیل شوراهای کارگران و سربازان بر اساس تجربه سال ۱۹۰۵ مبادرت مینمایند. کارگران و دهقانان و سربازان با استفاده از فضای آزادی که در اثر انقلاب حاصل شده بود بطور مستقل به تشکیل شوراها می پردازند و اکثریت عظیمی از توده هارا این ارگانهای اقتدار توده ای سازماندهی میفوند.

شعار توده ها حتی قبل از سرنگونی تزار یعنی شعارهای "مرگ بر تزار"، "مرگ بر جنگ"، "مانان مهواهیم" و ... حکایت از عمق تضادی داشت که دولت موقت بورژوازی را بالاخره در مقابل توده ها و ارگانهای اقتدار آنان قرار میداد. بلشویکها وظیفه

بقیه در صفحه ۶

پیشش پسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

شوراها و ...

بقیه از صفحه ۵

خود را در گشودن چشمان کارگران و دهقانان بر این تضاد های آشتی نا پذیر قرار دادند و حال آنکه اس-ارها و منشویکها آنها را پرده پوشی میکردند و بدین ترتیب ساله قدرت سیاسی، چگونگی بر خورد با بورژوازی و مضمون رسالت شوراها در مرکز ثقل مباحثات و مشاجرات قرار میگردد. در يك قطب بورژوازی ضد انقلاب قرار داشت و در قطب دیگر پرولتاریای آگاه برهبری بلشویکها و در این میان احزاب اس-ار و منشویک در نقش دلان بورژوازی، توده ها را به پشتیبانی از دولت فرا خوانده و شوراها را نمایندگانی کارگران و دهقانان را که در آن اکثریت داشتند، در خدمت استحکام قدرت بورژوازی قرار دادند. درك خرده بورژوازی این احزاب از قدرت سیاسی که آنها تئوریزه کرده و در پوشش تبیین مرحله انقلاب توده ها را میفریفتند و از ابتکار عمل مستقیم و انقلابی آنان در خدمت تحکیم قدرت بورژوازی مانع میگردد. بزرگترین مانع در انکشاف انقلاب بشمار میآید و از همین رو است که بلشویکها و بویژه لنین

بی رحمانه ترین حملات را بر علیه این احزاب متزلزل خرده بورژوازی آغاز نمودند چرا که " بورژوازی نه فقط بوسیله زور بلکه همچنین با تکای فقدان آگاهی و سازماندهی طبقاتی، پراکندگی و بی حقوقی توده ها خودش را در رأس قدرت نگه میدارد". (۲) احزاب اس-ار و منشویک نماینده سیاسی این توده های بی حقوق و فاقد آگاهی - که از همین رو دارای اکثریت در شوراها بودند - این بسی - حقوقی و " فقدان آگاهی " را باز تولید میکردند. بدون مبارزه ای پیگیر بر علیه این نمایندگان سیاسی از سوی پرولتاریای آگاه امکان بسط دامنه انقلاب و مبارزه جدی بر علیه بورژوازی فقط میتوانست لفاظی های دل خوش - کنک باشد و بس. شیوه نگرش بلشویکها از یکسو و منشویکها و اس-ارها از سوی دیگر به خلعت و رسالت شوراها خود روشنگرانه است.

۱

نگرش بلشویکها به شوراها و نمایندگان کارگران و دهقانان از بیخ و بن با ارز تعلق اس-ارها و منشویکها متفاوت است. از نقطه نظر بلشویکها شوراها " ارگانهای جنبش کارگران و

دهقانان و شکل حاضر و آماده

دیکتاتوری آنان بودند "

حکومتی غیر رسمی در کنار حکومت

موقت که اگر چه هنوز تکامل

نیافته، نسبتاً ضعیف و در حالت

جنینی است، لیکن بهر حال موجود

عملی و مسلم داشته است.

ترکیب طبقاتی این حکومت

تکامل نیافته شامل پرولتاریا

و دهقانان یعنی اکثریت جا.

است و خلعت سیاسی آن عبارت است

از دیکتاتوری انقلابی " یعنی

قدرتی که مستقیماً بر تصرف انقلابی

و ابتکار بلا واسطه توده های مرگ

از پایین قرار دارد. " این

دیدگاهی است که بلشویکها راحتی

در انقلاب سال ۱۹۰۵ در مقابل

منشویکها قرار داد. ساله قدرت

سیاسی همواره در صدر تاکتیکها و

تحلیلهای بلشویکها از ارگانهای

توده ای قرار داشت. لنین در

باره انقلاب ۱۹۰۵ میگوید:

" تشکیلات منحصر بفرد توده ای

یعنی شوراها که معروف نمایندگان

کارگری، مرکب از نمایندگان از

تمام کارخانه ها در آتش جنگ

شکل گرفت. در چندین شهر این

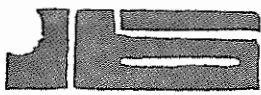
این شوراها را نمایندگان کارگری

هر چه بیشتر شروع به ایفای

نقش حکومت موقت انقلابی، بازار

و رهبری قیام کردند. " اگر توده ها

بقیه در صفحه ۱۵



دانشگاه آزادی

بقیه از صفحه ۱

سنگر آزادی و مبارزه، بتصویر کشیم از آنجا که بمناسبتهای گوناگون و از جمله در سالگرد پیروش خونین رژیم به دانشگاهها در اول اردیبهشت ۵۹ به نقش جنبش دانشجویی در تاریخ مبارزات خلق قهرمان ایران و به ویژه در جریان قیام ۲۲ بهمن و پس از آن بتفصیل سخن گفتیم و به ویژه نقش دانشجویان انقلابی را در افشای ماهیت جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی بر شمرده ایم، در اینجا به سیاستهای رژیم در قبال دانشگاهها پرداخته و به

و ظایف کنونی دانشجویان در شرایط کنونی بسنده میکنیم.

x x x x x

پس از سرکوب دانشگاه و کشتارهای وسیع و دستگیریهای گسترده، دانشگاهها تعطیل شد. و دو ارگان بنامهای "ستاد انقلاب فرهنگی" و "جهاد دانشگاهی" که خود در تضاد با یکدیگر بودند بوجود آمدند. که متشکل از مزدوران و وابستگان رژیم بود و وجه وحدت آنها سرکوب دانشجویان انقلابی، اولین اقدام این ارگانهای سرکوب بررسی پرونده دانشجویان، دستیابی به آدرس دانشجویان انقلابی و دستگیری آنان بود. آن بخش از دانشجویان که به تعویض آدرس خود اقدام کرده بودند و دیگر در دسترس رژیم نبودند با تشکیل تورهایی خیابانی متشکلی از عناصر حزب اللهی و انجمن اسلامی دانشگاه بعضاً بدام افتادند که تعدادی بجوخه های اقدام سپرد شده و بخشی نیز در زندانها بسر میبرند.

در سال ۶۱ یعنی دو سال پس از بستن دانشگاهها رژیم اعلام کرد که دانشجویان برای پرکردن فرمهای مخصوص و ادامه تحصیل مراجعه کنند و از این رهگذر نیز تعدادی را بدام افکند. در این مرحله تودهایها و اکثریتی های خائن پاسبانگویی به پرسشنامه های رژیم صنی بر معرفی فعالین جنبش دانشجویی، کمک شایان توجهی به رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی کردند و تعدادی از مبارزین را به مسلخ رژیم کشیدند. بگذریم از این که با این خیانت نتوانستند موجب ورود خود به دانشگاهها را فراهم کنند و تماماً" اخراج اعلام شدند. اندسته از دانشجویان که جهت پاسخ به پرسشنامه مراجعه نکردند بودند نیز بعنوان فراری تحت تعقیب قرار گرفتند که عکس و مشخصات آنها به تورهایی خیابانی سپرده شده است. بیان این نکته نیز ضروریست که وابستگان به رژیم گذشته و ساواکیها مشمول این تصفیه ها نشدند و در نتیجه این امر مسئولین مربوطه متذکر شدند که آنها برای رژیم خطر نیستند. پس از گذشت این مرحله که دیگر به تصور رژیم "پاکسازی" کامل از دانشجویان آگاه و مبارز صورت گرفته بود و زمینه برای گشوده شدن دانشگاههای "بی خطر" آماده شده بود. تعدادی از دانشکدهها از جمله رشته های پزشکی، کشاورزی و برخی رشته های مهندسی شروع بکار کرد و مسئله کنکور و گزینش برای سال اول دانشکده ها اعلام شد. سرانجام در پائیز سال گذشته کنکور انجام شد اما

نتایج آن تا اردیبهشت سال ۶۲ بطول انجامید. در این مدت جدا از سهمیه های مربوط به سپاه و بسیج و معلولین جنگ و ... آنکده از محصلین که از لحاظ نمره حد نصاب لازم را آورده بودند در تحقیقات محلی که پیرامون سوابق آنها صورت گرفت و توسط مزدوران محلی انجام شد از لیست قبولشدگان حذف گردیدند. بطوریکه پس از چند ماه که نتایج اعلام شد مشخص گردید که تعدادی از بااستعدادترین و با سوادترین شرکت کنندگان در کنکور مردود شده اند و این امر اعتراض بسیاری را برانگیخت و هنگامیکه این باصطلاح مردودین به همراه خانواده خود در محل وزارت علوم و آموزش عالی تجمع کردند و با اعتراض دستهای جمعی خود مزدوران رژیم را مورد بازخواست قرار دادند. از سویی با پاسداران سرمایه مواجه گردیدند که جهت سرکوب اجتماع کنندگان بانان یورش آورده بودند و از سوی دیگر یکی از مسئولین وزارت علوم صریحاً اعلام کرد که شرط قبولی کسب نمره نیست بلکه اعتقاد به جمهوری اسلامی است. باین ترتیب جدا از سهمیه ارگانهای سرکوب و شرکت کنندگان در جنگ ارتجاعی و معلولین که بهر حال بیش از نصف قبولشدگان را تشکیل میداد و البته شرکت آنها در کنکور جنبه تشریفاتی داشت و از قبل در لیست قبولی جای داشتند بقیه قبول شدگان علیرغم تلاش رژیم بدین

بقیه در صفحه ۸

رژیم جمهوری اسلامی را باید یا یک اغتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

دلیل که نارضایتی عمومی از رژیم بسیار گسترده است در تحقیقات مطبی در موارد بسیاری از صافی های رژیم امکان عبور یافتند چرا که مردم حاضر به همکاری با رژیم نشدند و البته این عده رقم زیاد را تشکیل نمیدهند. باین صورت بود که سال اول تعدادی از رشته های مختلف از جمله رشته های پزشکی آغاز بکار کرد و کنکور برای سایر دانشکده هانیز بهمین ترتیب انجام شده است و اکنون که چند ماه از برگزاری کنکور رشته های فنی میگذرد هنوز نتایج آن اعلام نشده و دوره تحقیقات و تفتیش عقاید را میگذراند البته رژیم از آن رو مرحله به مرحله دانشکده هارا اجازه گشایش داد تا بتدریج سا زماندهی لازم برای کنترل همه جانبه بر آنها را پدید آورد و این در حالی است که جمع کثیری از دانشجویان را سرسپردگان به رژیم تشکیل میدهند و تمامی این ترفند ها اوج وحشت رژیم از دانشگاهها را نشان میدهد. این روند در مورد استادان نیز پیشرفت. همزمان و مدتی پس از سرکوب دانشگاهها شناسائی و تعقیب استادان آگاه و مبارز آغاز شد و این امر ابتدا مشمول عناصر شناخته شده و فعال گردید که در جریان قیام و پس از آن نقش برجسته ای در همیاری با دانشجویان انقلابی ایفا کردند و مدتی پس از قیام در تشکیل کانن د مگراتیک استادان نقش داشتند استادان مبارز و انقلابی عمدتاً دستگیر و در بندی جدا گانه در اوین جای داده شدند و تعدادی نیز بجوخه های اعدام سپرده شدند که از جمله آنها رفیق شهید فدائی خلق فرزند

بیگری استاد دانشگاه صنعتی بود سپس آنهاکه مخالف رژیم بودند اما فعالیت چمگیری نداشتند مسمول تصفیه های رژیم شدند و این تصفیه ها همچنان ادامه دارد بطوریکه طی هفته های اخیر با گشوده شدن دانشگاهها بار دیگر تعدادی از کارکنان دانشگاه تهران که عمدتاً استادان را شامل میشود از سوی هیئت باصلاح بازسازی دانشگاه اخراج و برخی نیز باز نشسته شدند. هاند که شامل ۵-۶ نفر از دانشکده علوم ۵ استاد از علوم اجتماعی چند نفر از علوم تربیتی و تعدادی نیز از واحدهای دیگر اخراج شده اند. جالب اینکه احکام آنها مستقیماً ابلاغ نشده تا امکان اعتراض و تقاضای تجدید نظر داشته باشند (مهلت اعتراض از تاریخ اعلام حکم ۱۵ روز است) و این عجله بدین خاطر بوده است که مهلت کار این هیئت پایان یافته بود و میخواست در آخرین روزهای ماه موریت ننگین خود به وظایف ضد انقلابی خود تمام و کامل پاسخ مثبت گوید. جالب تر اینکه طبق قوانین خود رژیم هیئت های بازسازی باید قبل از صدور حکم برای هر فرد به وی فرصت دهند تا ظرف یک هفته بطور کتبی یا شفاهی از خود دفاع کند این امر نیز صورت نگرفته و تنها روز آخر ماه موریت خود افراد اخراج شدند را احضار و آخر وقت همانسروز نیز احکام اخراج را صادر کردند. هاند. اما خدمات شایان آنها به رژیم ضد انقلابی موجب گردید که علیرغم پایان یافتن ماه موریت ضد مرد میشان، بار دیگر

در تاریخ ۱۴ مهر لایحه تمدید فعالیت هیئت های "باز سازی" دانشگاه با قید و فوریت به مجلس رود (برای مدت ۵ ماه) که همانروز د و فوریت آن بتصویب رسید و خود قانون نیز در ۱۷ مهر تصویب شد تا کار تصفیه های آنان همچنان تداوم یابد. این همه در حالی است که رژیم بشدت با کمبود استاد مواجه است و از آموزش و پرورش و حوزه های علمی "استاد" به دانشگاه فرستاده اند در این میان جدا از تصفیه های تعدادی از استادان که حتی وابستگی به هیچ سازمان انقلابی هم ندارند و مخالف رژیم هستند حاضر به همکاری با رژیم نشده اند و این نیز کمبود استاد را شدت بخشیده است. هم اکنون که حد و دشمن هفته از گشایش تعدادی از دانشگاهها میگذرد، جو خفقان و سرکوب بر دانشگاهها سایه افکننده است، کوچکترین تخلف در مورد عدم رعایت حجاب اسلامی از سوی دانشجویان دختر، موجب د و اخطار و سپس اخراج دانشجویان میگردد صحبت دانشجویان دختر و پسر ممنوع است و هرگونه تجمع چند نفره شدیداً تحت کنترل و مراقبت جاسوسان رژیم مستقر در دانشگاهها قرار میگیرد. بعبارت دیگر حکومت نظامی موجود در جامعه در سطح وسیع تر و عریانتر در دانشگاهها سایه افکننده است اما واقعیت اینست که همه تلاشها رژیم برای جلوگیری از ورود مخالفین خود به دانشگاهها چندان موفق نبوده است. بعلاوه همان بقیه در صفحه ۱۳

پیروز یاد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلفهای ایران

خاطراتی از

بقیه از صفحه ۱

انسان باقیمانده حزب در ایران را - (که اکثرًا) بعد از کودتا قرار را برقرار تر جیح داده بودند) دستگیر نعلید یزدیها، بهرامیها، و عباسیها و شرمینیها و... در مدت کوتاهی آنان بنا به ماهیت طبقاتی خود صادقانه!! تمام اطلاعات خود را در اختیار رژیم شاه گذاشتند و بقول رفیق شهید روزبه "بعد از دستگیری دیگر اطلاعات و اسرار حزبی اینها که رهبران حزب نگفته باشند."

بت رهبری برای اعضا و هواداران حزب بعد از مدت کوتاهی شکست زیرا میدیدند در باز جوشیها برای گرفتار اعتراف از آنان، نوشته های رهبران را جلوی آنان قرار میدهند و باتمسخر میگفتند "احتیاج به اعترافات و داد اطلاعات شما نیست، فقط تصدیق کنید حتی از روی نمودار تشکیلاتی رهبر جای متهم را نیز نشان میدادند.

جوزندان بحرانی بود و روحیه ها پایید، برای نشان دادن پاسیفیسیم حاکم بر زندانها و سقوط لغزاف یکی از وقایع را بازگو میکنیم:

یک روز بختیار معدوم و مضمون سرگشته به زندان قزل قلعه طای سخرانی خود برای نادمین تاکید کرد که "اگر باز هم اطلاعاتی دارید، برای راحتی وجدان و اثبات صداقت خود تا دیر نشده و خودمان به ان دست نیافتیم، در اختیار ما قرار دهید" او چند لحظه بعد، یکی از زندانیان تودهای مصمانه بطرف دفتر زندان رفت در حین راه رفتن میگفت: "برای راحتی وجدان باید بین موضوع را نیز به تیمار بگویم" بعد از برگشتن معلوم شد، که

چمدانی از کتاب را در نزد همسرش گذاشته بود و او آنرا تا آن لحظه پنهان نموده و به ما مورین رژیم نداده بود. چند ساعت بعد فریاد زن دستگیر شده که مورد تجاوز باز جوها قرار داشت از اتاق بازجویی بلند بود و مردک زرزور متفکرانه میگفت: "حقشه! میبایست قبلاً صداقت خود را نشان میداد و چمدان را پنهان نمیکرد و حالا میتوانم براحتی زندان بکشم. در انتظار باشم که بزودی مورد عفو قرار گیرم."

رهبران در تمهید دیگر برای کاسه لیبسی رژیم، در جلساتی که در زندان داشتند، تصمیم گرفتند، چنین دستور العمل تشکیلاتی صادر نمایند که "برای نجات از زندان و یک زندگی شرافتمندانه لازمست که اعضا و هواداران، بعد از دستگیری، با در میان گذاشتن همه اطلاعات خود چه روابط سازمانی و چه امکانات حزبی به باز جوشای محترم رکسن، ۲، ندا منتهایی را که باز جوشای محترم در اختیارشان قرار میدهند امضا کرده و به اسرار اثبات صداقت خود، ان اسرار اختیار مطبوعات رسمی بپردازند چاپ قرار دهند. نوشتن ندامتنامه ها شروع شد و مصباح زاده و سعودی با منعشگس کردن آنان در روزنامه کیهان و اطلاعات هم وظیفه طبقاتی خود پیشرا انجام دادند و هم ضمیمهها تسوومان بچیب زدند.

فرزند خلق، سرگرد وکیلی در سلول زندان با خوش نوشت: "ای نارقیان ای رفیقان روزهای طلائی ندامت نامه هایتان را بر پیشانیان بچسبانید"

سعودی ها را گولک کیر کیر کرد. هرگز جزه حزب منحله توده نبوده، ابتکارات رهبری باین تعلق گرفت، که برای هدایت جوانان فریب خود داده!! تجربیات خود را در نشریه های بنام "عبرت" در اختیار جامعه قرار دهند و چنین کردند و تمام عقونتهای تفکری خود را در این نشریه به معرض تماشای همگان قرار دادند.

ایا وقاحت رهبران حزب توده را پایانی بود ۱۴ هرگز! رهبران در میزگرد های زندان به این نتیجه رسیدند که میبایست بنا رکن ۲ همکاری کنند، در این مقطع رژیم با استفاده از تجربیات امپریالیسم امریکا در تدارک ساواک بود.

و بدین ترتیب بود که رهبران خود فروخته و مزدور حزب توده در ساواک جا خوش کردند، نهایتاً به ماهیت طبقاتی خود خواستند تیشه به ریشه کونیوم بزنند. آنان در بقل پاکروان ها و احسان تراقی ها از بیگانگی ایدئولوژی (م-ل) با جامعه ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران دم زدند و...

و امروزه نیز رهبران از انس حزب توده به کارگردانی عموشی خائن از مکتب و سنت اسلامی دم میزنند اما وقاحت آنان و اینان را پایانی نیست. ایزدی برای خدمتگزاران بیعتن، مزدوری بین المللیها را پذیرفت. لژیون خدمتگزاران بشر را ابداع کرد و با تماس گرفتن با پسرش در المان شرقی، برای سازمان سیا شروع بجاسوسی نمود و...

در زندانها چه گذشت؟ رژیم وابسته به امپریالیسم شاه بقیه در صفحه ۱۰

خاطراتی از ...

بقیه از صفحه ۹

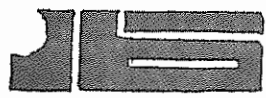
در سالهای ۳۵-۱۳۳۲ بعد از ضربه زدن به سازمان افسران حزب توده و خیانت رهبران آن، محسوساً "شهادت روزبه" دیگر خیالش از جانب حزب توده راحت گردید، شروع به آزاد کردن زندانیان نادم نمود. اما بابه لجن کشیدن هر چه بیشتر آنان با آزمایشهای مختلف شروع بدست چین کردن آنان نمود. خائنترین و کثیفترین آنان را برای مزدوری در ساواک استخدام کرد و کسانی که نارای تحصیلات عالییه بودند، در سازمان برنامه و در صدی از آنان که استاندارهای وقاحت را پشت سر نگذاشته بودند، در زندانها باقی ماندند.

این در صد باقیمانده اعناء حزب توده که اکثریت آنان از باقی مانده های سازمان افسران حزب توده بودند، نشاندهنده کینه رژیم از عملکرد گذشته این سازمان بوده و تعدادشان بعد از سالهای ۱۳۳۸ تقریباً "از ۱۵۰ نفر تجاوز نمیکرد که بعد از رفرم ششم بهمن به کمتر از ۳۰ نفر تقلیل پیدا کرد و در استانه رستاخیز سیاهکل به کمتر از ۱۰ نفر تقلیل پیدا کرد بعد از سالهای ۱۳۳۵ و راحت شدن خیال رژیم

از جانب حزب توده، رژیم رفته رفته فشار خود را از روی زندان کم کرد و محسوساً "زمانیکه زندانیان توده ای نشان دادند که هدفشان زندانی کشیدن است، نه مبارزه طبقاتی، رژیم سعی کرد تسهیلات زیادی در اختیار آنان قرار دهد بطوریکه در همه ۴۰ ساله آئیم که هر کدام از آنان در حیط وسیع زندان شماره ۴ قصر برای خود آلاچیق درست کردند، تمام وسایل آشپزی در اختیار آنان قرار داشت و حتی برای آشپزی با آنان اجازه دادند که تعدادی از زندانیان عادی را استخدام کنند، آنان نیز با این توجیه که وقت آشپزی را میتوان صرف مطالعه کرده چینی میکردند!

اما نامتسلقات بصورت پیک نیک با خانواده و بلور دسته جمعی از صبح تا شب در محواه زندان و گرفتن کتابهای مختلف (حتی مارکسیستی) بلور نسبی برایشان آزاد بود. زندانیان توده ای نیز با هدف زندان کشیدن شرافت مندانه شروع به تحصیل مکاتبه ای با دانشگاههای خارج از کشور نمودند، چنانکه خانم بی امثال عسویی و شلتوکی و حجری هر کدام با تحصیلات مکاتبه ای و اعینامه نقشه کشی و حسابداری و ... از دانشگاههای انگلیس فارغ التحصیل

شدند. سنت ییاد گرفتن زبانهای خارجی را برقرار نمودند. صبح بر خاستن، نه ورزش همگانی، بل هر کس بنا بلیقه خود، صبحانه سکوت صبحگاهی و نهاره سکوت مطلق استراحت بعد از ظهر، ورزش والیبال، دوش گرفتن، شام و اخبار، با وجدان پاک سر به بالین گذاشتن و تا روز دیگر و روزهای دیگر، البته گوش کردن به رادیو مسکو و اظهار شفق از اینکه، فلان ساخوز یا کلخو در فلان نقطه شوروی استا ندارد تعیین شده را پشت سر گذاشته، از واجبات بود. اگر فلان عضو کاما مول شوروی، در زمیستا یخهای فلان رودخانه سیبری را شکسته و در آن غنا کرده بودند، اینان نیز یخهای حوض زندان را شکستند و در آن آب تنی میکردند و این منتهای تفکر انترناسیونالیستی در گزار بود تا ... اینکه در سالهای ۴۶ گر جزئی - ظریفی به همت عضو پر سابقه و خوشنام حزب توده، یعنی عباس شهریاری، توسط ساواک شناسایی، دستگیر و بعد از شکنجه های زیاد و محاکمه و دفاع ایدئولوژیک به زندان قصر منتقل شدند. انسانهای دیگر، اما با همان ایدئولوژی (م.ل.) (البته بقیه در صفحه ۱۱



خاطراتی از ...

نه از نوع رویزبونستی و اپور-
 تو نیستی) اما معتقد به قهر
 انقلابی و سرنگونی رژیم زندان
 را نه برای آرامش و مطیع شدن
 و مطالعه آکادمیک بل زندان را
 برای ادامه مبارزه طبقاتی و
 جود آوردن تئوری انقلاب و جبر
 ضد انقلاب اجباراً قبول کرده بود
 زندگی جمعی داشتند و مطالعه
 جمعی ورزش جمعی زندگی کمونی
 بود. الگوئی از کمون پاریس
 انسانهایی خستگی نا پذیر که
 هر آن میخواستند دیوارهای
 زندان را با مشت های گره کرده
 خود خورد نمایند، از هیچ تهدید
 و اطمینان نداشتند و برای رفتن به
 دیانوس خلق هر دقیقه و ساعت و
 روز و شب نقشه فرار میکشیدند
 در تدارک آن به آب و آتش میزدند
 هر آنچه زندانیان در اختیارشان
 میگذاشت حق خود میدانستند، طالب
 آزادی بودند نه منتظر رحم و شفقت
 و مراحم شاهانه بلکه با قهر
 انقلابی و سرنگونی رژیم بطور
 پیگیرانه و خستگی نا پذیر در
 تلاش برای فرار از این چهار
 دیواری زندان!
 نقشه فرار بصورت تصادفی منجر
 به شکست شد هر کدام شکنجه و

زندان انفرادی و بعد تبمید به
 نقاط بد آب و هوا بطور انفرادی
 از بدو ورود گروه جزئی - ظریفی
 آرامش زندان بهم خورد سکوت
 گورستان بدل به تکایو و جوشش
 و حرکت گشت هاین با ذوقیات و
 عادات و فرهنگ زندانیان پس
 سابقه توده ای سازگار نبوده نقد
 زندنها شروع شده زندانیان نیز
 هوشیارانه محوطه زندان را با
 کشیدن دیوار نو قسمت نمود، از
 آن ببعد قسمت جنوبی را شماره
 ۲ و قسمت شمالی را شماره ۱

تا میدانند
 بعد از کشف طرح فرار رژیم برای
 زهر چشم، با زحمت دقیق از بندها
 را که سالها انجام نگرفته بود
 شروع نمود. آلاچیق ها نابود شد
 وسایل آشپزخانه محدود گردید.
 ملاقات با خانواده ها بهشت میلهها
 صورت گرفت.
 البته این محدودیتها برای کسانی
 که میخواستند حتی تا آخر عمر
 " شرافتمندانه " زندان بکشند و
 ناراحت کننده بود.

آنان هم این محدودیتها را از
 چشم گروه جزئی - ظریفی میدانستند
 و با دید تنگ نظرانه و سازشکارانه
 خود سالها با افسوس از روزهای
 خوش گذشته یعنی ۴۶ - ۱۳۳۶ صحبت
 میکردند و با تنفر و انزجار از
 حرکت گروه جزئی - ظریفی یسار

می نمودند.
 سال ۱۳۴۹ بعد از دستاویز سیاهکل
 آغاز جنبش نوین کمونیستی ه
 زندانیان دیگری از فرزندان
 روزبه ها و وکیلی ها و تربیت
 شده در مکتب جزئی ها و پویانها
 و احمد زاده ها و صفائی ها وارد
 زندان شدند با مفاهیم و معیار
 ارزش (م - ل) در گفتار و کردار
 و تنفر از مئی و فرمیستی حزب
 توده و معتقد به مبارزه مسلحانه
 و خواهان اینکه زندان را میباید
 به دانشکده اجتماعی بدل نمود ه
 باید در زندان کار ساخت، باید
 تئوری انقلاب را فرموله نمود ه
 زندانیان یک طبقه بی طرف نیست
 بلکه جزئی از سیستم رژیم منفسور
 بهلوی است، میبایست با او نبر
 مبارزه کرد، آنان وحشی اف
 شکنجه نو باره - تبمید عدن و
 ... نداشتند بزودی تبمیدگاهها
 از آنان پر شد اما زندان شماره
 ۴۹ نیز هرگز نتوانست آرامش سالها
 ۴۹ - ۱۳۳۶ خود را دوباره بیست
 آورد. موج جدید زندانیان -
 وارد میشدند، جو دگرگون شده
 رژیم در مرحله اول محدودیت های
 زیستی و ملاقات و کتاب برای
 تنبیه کردن زندانیان جدید بکار
 برد، اما حربه کار ساز نبود
 ضرورتاً از سالهای ۵۱ به بعد
 بقیه در صفحه ۱۲

خاطراتی از ...

هجوم سیستماتیک خود را به زندانها شروع کرده، نقاب از چهره درید هر قدر مبارزه در بیرون توده ای میشد، هجوم رژیم به زندانها بیشتر میگردد. زندان توده ای نیز در این موج عظیم بالا و پایین می رفتند. آنان در انتظار شهریور ۵۰ بودند که بمناسبت جشنهای ۲۵۰۰ ساله مورد عفو همایونی قرار گیرند اما رستاخیز سیاهکل، این امید آنان را بباد داد. مبارزات قهرمانانه زندانیان سیاسی تاثیرات خود را در جامعه منعکس میکرد و جو زندان نیز از مبارزه طبقاتی در جامعه متأثر میشد. در این تاثیر و موثرها زندانیان سابق توده ای که در حدود ۱۰ نفر بودند جا بجا میشدند. در سالهای ۵۲ - ۴۹ آنان توسط زندانیان سیاسی دیگر ایزوله شده و به اطاقی بنا نهاده شده بودند، اما با هجوم رژیم و افت شور انقلابی در زندانها، از غلات خود در آمدند و شروع به تبلیغ مئی رفرمیستی خود نمودند. چنانکه در شورش زندان شیراز، مشهد، تهران بارها آنان را میانجی مابین زندانبان و زندانیان

سیاسی را داشتند و در این رابطه توانستند عناصری از افراد متزلزل و زده را جذب نمایند میانجی شدن ما بین زندانبان و زندانیان سیاسی معتقد به ارزش طبقاتی بودن و معتقد به مبارزه قانونی بودن، برای احقاق حق، نامه به داد رسی ارتش و ساواک نوشتن، تقاضای عفو کرد، مراسم وداع با نادمین انجام دادن و آرزوی زندگی مراقتندان برای نادمین کردن و در انتظار عفو شاهانه بودن و در بهترین حالت «مراقتندان» به قانون زندان سر فرود آوردن. کارنامه آن تعداد ۱۰ نفر زندانی توده ای است که در طول ۲۵ زندان خود انجام دادند. آنان از سال ۵۰ چه دانسته یا ندانسته ضربات زیادی بجنبش کمونیستی ایران فرود آوردند چه در زندانها چه از سال ۵۷ به بعد. در زندانها در سلولهای خود چون عنکبوت تار میطیندند و منتظر افراد متزلزلی میماندند که از مبارزه خسته شده باشند با یافتن چنین اشخاصی چسبون فرشته نجات تمام ضعفهای افراد متزلزل را با تفکرات رفرمیستی خود توجیه میکردند. اگرچه در گفتار با ایدئولوژی

مائوئیستی خط ۳ مخالفت و حتی دشمنی میورزیدند، اما در عمل برای زدن به مئی انقلابی و مسلحانه در موقع لزوم، به طور پنهانی دست آنها - یعنی اعضا طوفان و سازمان انقلابی و ساکا - داده و چنانکه در انتخابات برای کمون سال ۵۱ در زندان شیراز و بعد از شورش شهرار به کارگردانی همین خائنین یعنی جبری و عموشی و در زندان مشهد به ریاست همین شلتوکی خائن و چنین وحدت های خائنانه ای صورت گرفت. آنها در زندانها حاضر نبودند در مقابل کارهای بالای سایر نیروها و سازمانها و گروهها از مئی رفرمیستی و خیانت های گذشته حزب محبت گننده یا خط مئی آنها را بنقد بکنند، آنان در مقابل سؤال رفیقانه بسیار از زندانیان سیاسی با لحنی طنز آمیز و شانه بالا انداختن طفره میرفتند. اما زمانیکه فرا از مبارزه مسلحانه بریده بود که در آن سالها کسانیکه چنین میکردند، آغاز دوران نره زدگی بود. شب و روز با آنان پلمیک داشتند، اگر بتاریخ سی ساله رفیق کهر جزئی مراجع کنیم تمام جنایت بی را که امروزه بقیه در صفحه ۳



خاطراتی از

آنان در محضر لاجوردی، داستان جمهوری اسلامی به اعتراف نوشته اند، به رشته تحریر در آورده است، همین عمویی ها و شلتوکی و آصف رزمیده ها در آن سالها چنین نوشته ها را خدمت به سیا میدانند. ما نظوریکه امروزه مبارزه قهر- آمیز با جمهوری اسلامی را خدمت به امریکا میدانند.

گوئی تاریخ برای افشا چهره رفرمیست ها بصورت بی رحمانده پاره ای از آنان را در بستوی زندانها نگهداشت تا امروز رسالت خائنه آنان را به نمایش گذارد آری آقای عمویی رهبران دیروز خیانت هائی کردند بخاطر آنکه کارگران و زحمتکشان ما آگاه نبودند و مادیانه فکر میکردند که شما حاملین ایدئولوژی مارکسیم لنینیم هستید و از منافع آنان دفاع میکنید، لزوماً تراژدی بعد از ۲۸ مرداد آفریده شد.

اما مردم ما، کارگران و زحمتکشان ما چهره کریه تان را بعد از ۲۸ مرداد خوب شناخته بودند و از آن منتظر بودند، لحظاتی را بیاد آورید که در زندانها با آنکه سالها زندان کشیده بودید مورد

تفرق قرار داشتید و در آستانه قیام به همت چند نفر از نادمین سابقان که بخاطر مقاطعه کاری و بساز و بفروشی به نوایی رسیده بودند، دفتر و دستک بوجود آوردید، با تفکر توطئه آمیز تان توانستید چند نفری امثال فرخ نگهدارها و جمشید طاهری پورها و کشتگرها را به صفوف خود بکشید اما مبارزه طبقاتی و ادار تان کرد خیانتهای گذشته را نه در محضر خلق بلکه باز هم در محضر ضد انقلاب به نفع توده ها بل برای تخدیر آنان اقرار کنید.

مجبور شدید چون همپالگی خود یزدی و بهرامی و ۵۰۰۰ نفر بغل لاجوردی و موسوی اردبیلی و ۵۰۰۰ بنشینید چون آنان شیپور را از سرگانش بنوازید و بگوئید (م-ل) یک مکتب پیگانه نسبت به سنت های اسلامی ایران است. ای خائنین! اگر بهرامی ها و یزدی ها و نیکخواه ها با خیانت خود توانستند مارکسیم را ابزار کنند ندامت های شما نیز موثر واقع میشود. باز هم در سلولها اختصاصی خود، دور همدیگر جمع شوید و با تعظیم و تکریم به پاسداران سرمایه و بازجویان امکانات زیستی بیشتر طلب کنید

و بخاطر گرفتن يك وسیله آشپزخانه ناد شوید و آنرا الطاف زندانبان قلمداد کنید و گوش خود را از فریادها و شیون ها و ضجه های سایر زندانبان زیر شکنجه ببندید و بگوئید در زندانهای جمهوری - اسلامی شکنجه وجود ندارد و بازجویان فرزندان کارگران و زحمتکشان اند. نکند تهرانی ها و حسین زاده ها و عضدی ها و جوانها فرزندان خانواده سلطنتی بودند!

آری - اگر خیانت رهبران همپال توده در ۲۸ مرداد و در زندانهای تراژدی بود، اکنون دیگر مضحکه ای بیش نیست.

بقیه از صفحه ۱۳ نیست که سازمان شمار "مرگ بر امپریالیسم جهانی بصر کردگی امپریالیسم امریکا و پایگاه داخلی آن" را مطرح میازد و بعنوان يك شعار استراتژیک در دستور کار قرار داده است این شعار ضمن اینکه پیوند جهانی امپریالیستها را از طریق انظام سرمایه مالی مطرح میازد و کردگی کلیه امپریالیستها را بدرستی امپریالیسم امریکا میدانند در عین حال مبارزه با امپریالیسم جهانی را نیز از طریق مبارزه با پایگاههای داخلی آن یعنی طبقه سرمایه دار و سیستم سرمایه داری وابسته ایسران میدانند و مبارزه ضد امپریالیستی نیز مفهومی جز این ندارد.

انتخابات

بقیه از صفحه ۲
نفروشی و احتکار و ... صورت
گرفته اما در واقع چیزی نیست
جز تضعیف جناح رقیب در جر
پان انتخابات، زیرا که با توجه
به صدور قرارهای بازداشت و
موکول شدن دادگاه ها به چند
ماه دیگر عملاً این عناصر قادر به
شرکت در انتخابات مجلس نخوا
هند شد.

اینگونه دستگیریها و برکناری ها
در عین اینکه انعکاس تضاد های
درونی جبهه ضد انقلاب میباشد،
خود بیانگر اوج بحران عمیق اقتصاد
دی سیاسی حاکم بر جامعه و نا
توانی رژیم در پاسخگویی بدان
و گرایشات گوناگون بورژوازی حاک
م در ارائه راه حل های متفاوت در
حل بحران است و چنانکه شاهد
آنیم کلیه جناح های رقیب در حفظ
موجودیت رژیم منافع طبقاتی مشترک
دارند و در سرکوب جنبش توده های
و سازمانهای انقلابی وحدت عمل
کامل.

واقعیتی که رژیم با آن مواجه است
تشدید روز افزون بحران همه جانبه
اقتصادی سیاسی و نابودی محتوم
انست از آنجا که ترکیب حاکمیت را
جناح های مختلف بورژوازی تشکیل
میدهد که نه در یک راستا بلکه در
مقابله با یکدیگر عمل میکند و این
خود بحران زاست و با توجه به
انتقال بحران جهانی امپریالیسم
به کشورهای تحت سلطه ای چون
ایران بحران موجود شدت و وحدت
بیشتری میابد، تمامی این تلاشها،
که از سوی جناح های رقیب
صورت میگیرد خود به عاملی در
جهت تشدید اضمحلال رژیم بدل
خواهد شد.

عناصری را که رژیم بعنوان مدافعین
خود به دانشگاهها روانه کرده،
در روند روزه رشد جنبش و گسترش
نا رضایتی عمومی از رژیم جدا شده
و تنها بخشی از آنها که کاملاً سر
سپرده و مزد بگیرند باقی خواهند
ماند که بتدریج منزوی و همچون
ساواکیهای دوران شاه مطرو
میشوند و در اقلیت قرار خواهند
گرفت معالوه برای یک انقلابی هر
چند هم که شرایط دشوار باشد
راه مبارزه گشوده خواهد شد
تنها انتخاب درست تاکتیک متنا
سبب با شرایط است و هم اکنون
بدلیل جو خفقان حاکم بر دا
نشگاهها، پنهانکاری و رعایت
اصول و ضوابط امنیتی بسیار بسا
اهمیت میباشد شناخت دقیق دا
نشجویان و ایجاد ارتباط خارج
از دانشگاه و ایجاد هسته های
مقاومت قطعاً امکان پذیر است
که باید از طریق اتحاد عمل
دیگر دانشجویان انقلابی صورت
گیرد جدا از هسته های مقاومت
که متکی بر ایدئولوژی نیست و هوا

کار و

بقیه از صفحه ۳
در مقابله با جنبشهای رها
بخش و سوسیالیسم جهانی و
اصل استثمار خلقهای تحت سلطه
و پرولتاریای کشورهای امپریال
لیستی وحدت عمل کامل دارند و
در تحقق اهداف خود رژیمهای
دست نشاندهای را بر اینگونه
کشورها تحمیل میکنند هر چند
ممکنست شدت وابستگی این رژیمها
متفاوت باشد اما تا زمانیکه

دانشگاه

از سنگر آزادی

بقیه از صفحه ۸

داران سازمان باید با تشکیل
هسته های سرخ منسجم و آموزش
سیاسی ایدئولوژیک و مطالعات
دقیق نشریات سازمان و کسب
رهنمودهای لازم به تقویت تشکیلات
خود بپردازند و در عین حال
فعالانه در کمیته های مقاومت
کت کنند، دانشجویان آگاه و صبا
رز باید تلاش کنند تا نقش واقعی
دانشگاهها را بدان بازگردانند
و تلاشهای رژیم را در پدید آوردن
جو سرکوب و خفقان خنثی کنند. بای
دانشگاه به نقش پیشین خود یعنی
پیوند هر چه بیشتر با توده های کار
و زحمتکش و شرکت فعال در مبارزات
ضد امپریالیستی دمکراتیک توده ها
بار دیگر دست یابد و بار دیگر دا
نشگاهها در خدمت آگاهی بخشیدن
به مردم تحت ستم قرار گیرد.

رژیمهای ارتجاعی و ضد خلقی بر
کشورهای تحت سلطه ای نظیر ایران
حاکم با عداوت تمام دانهای اسارت
بار تداوم خواهد یافت تنها
ممکنست طرف متقیم معادله
تغییر یابد از اینرو قطع وابستگی
به امپریالیسم و عبارت دیگر
مبارزه ضد امپریالیستی مفهومی
بجز مبارزه با سیستم سرمایه
داری وابسته ایران و رژیم
حامی آن سیستم ندارد بی جهت
بقیه در صفحه

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

شوراها و ...

بقیه از صفحه ۶

مبارزات بلشویکها در انتقال همه قدرت به این شوراها که در قلمنامه حزبی آنها «جمهوری دموکراتیک کارگران و دهقانان» می نامیدند، قرار داشت. اما این قدرت موازی با قدرت دولت موقت تحت رهبری منشیها و اس-ارها بر قدرت بورژوازی صحه گذاشت و از طریق سازش مستقیم با آن حکومت و با از طریق يك سلسله گزینهای واقعی، عملاً خود را بمثابة قدرتی ثانوی پوسته نهاد.

۱۵۱ ماه دارد

با تکیه تجربیات سال ۱۹۰۵ بلافاصله به تشکیل ارگانهای خاص خود یعنی شوراها پرداختند و بلشویکها نیز با اتکاء به تجارب غنی انقلابی سال ۱۹۰۵ و با توجه به شرایط جدید هر چه بیشتر درک از ماه خلعت شوراها و قدرت سیاسی را عمیق بخشیدند. با نقیض این تجارب و بدون درک دیالکتیکی از مبارزه طبقاتی و خلعت قدرت سیاسی بلشویکها نمی توانستند بلافاصله خط مشی خود را در انقلاب تعیین کنند و خواستار انتقال همه قدرت بدست شوراها شوند. شوراها نوع عالی تری از دولت

بازدید میکنند و هر انکس را که برنج حتی در حد مصرف ماهیانه خود نیز خریداری و حمل میکنند از وی میستانند و این در حالیست که برنج سهمیه شده از سوی دولت تنها ۱/۵ کیلو در ماه برای هر نفر تعیین شده که بهیچوجه کفاف مصرف مردم را نمیدهد و مردم ناچارند حداقل مقداری برنج از اقوام و اشنایان خود در شمال با قیمت کیلوئی ۴۰ تومان خریداری و حمل کنند تا مجبور نباشند همان برنج را در تهران و دیگر شهرها با قیمت کیلوئی ۹۰ تومان تهیه کنند در این رابطه در گریه های بسیاری بین مردم که مقداری برنج جهت مصرف خود حمل میکنند و پاسداران در جاده های خروجی شهرهای شمال بوجود آمده که حتی در مواردی به دستگیری

تسکینت

بقیه از صفحه ۱۶

حاملین برنج انجامیده است. اما همین برنجهای ضبط شده و انبار شده در کنار جاده ها، از خانه پاسداران و کمیته جیها و سردمداران رژیم سر در میاورد و موارد متعددی دیده شده که پاسداران اقدام به فروش اینگونه برنجها با قیمتهای چند برابر کرده اند اما راه حل تمامی این فشارها و تضیقات تنها و تنها مبارزه متحد و یکپارچه شالیکاران بر علیه رژیمی است که جز فقر و بدبختی و خانه خرابی و کشتار ارمنانی برای زحمتکشان میهنمان نداشته است. رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت ضد خلقی و ضد مردمی اش هیچگاه نمی تواند جز این عمل کند و این را دیگر توده ها در تجارب روز مره خود بخوبی دریافته اند.

و از این راه پولهای گزافی بچیب میزنند. تمامی این اشرارها سرکوبها و اجحافات کشاورزان را مصمم ساخته تا در گذر سال آینده به کشت برنج مبادرت نکنند و این مسئله از زبان اکثر کشا و رزان شنیده میشود. هم اکنون در ادامه سیاست مقابله دولت با فروش آزاد بروج توسط کشا و رزان، مزدوران پاسداران رژیم در جاده های خروجی شهرهای مختلف گیلان و مازندران مستقر شده و ماشینهای مسافری را



یادداشت‌های سیاسی

شکست مفتحخانه دولت در خرید برنج

و برنج های آنان را ضبط می کنند . در این رابطه موارد متعددی دیده شده که گشا - و رزان دست به آتش زدن برنج خود میزنند از جمله در باهل کشاورزی در حین حمل برنج به منزل خود توسط بسیج ، دستگیر میشود و چون حاضر نیست برنج خود را با قیمت تعیین شده از سوخت دولت بفروشد مورد ضرب و ستم مزدوران رژیم قرار میگیرد و اقدام به آتش زدن برنج هایش میکند و یا در هشتپر طالش کشاورزی که حاضر به فروش برنج خود به قیمت ۲۲ تومان نبود و مطرح میکرد که مخا رجش بسیار بیش از این بوده است بدنبال درگیری با پاسداران برنج خود را با آتش میکشد و عوامل رژیم از او میخواهند که با دریافت پول برنج ناپدید شود شده اعلام کند که " ضد انقلاب " برنج را با آتش کشیده و این زحمتکش نمیدارد همچنین در اعتراض به سیاست دولت و اجحافات که به کشاورزان زحمتکش میگردد جمعی از کشاورزان رشت دست به راهپیمایی اعتراضی زده اند .

از دیگر اعمال ضد خلقی رژیم مهر و موم کردن برنج ذخیره کشاورزان است که تولیدشان باندازه مصرف سالانه خود آنان بوده و یا بهر حال برنج تولیدی خود را به دولت تحویل نداده اند . نکته دیگری که خشم و نفرت این زحمتکش را برانگیخته است شیوه تعیین نوع مرغوبیت برنج است . عمل رژیم در این مورد نیز با نرخ گذا - ری مثلا " برنج ۲۴ تومانی بقیه ۲۲ کیلوژی ۲۴ تومانی حتی به قیمت تعیین شده خود نیز پایبند نیستند بقیه در صفحه ۱۵

خود را از درآمد همین برنج تا همین کنند . حال با توجه به قیمت تعیین شده نه تنهائی - تو اند زندگی یکساله خود را تا همین کنند بلکه حتی قادر نیستند مخارجی را که برای کشت صرف کرده اند بدست آورند در عین حال شاهد اند که برنج حاصل از دسترنج آنان توسط تجار و عوامل رژیم در بازارهای آزاد بقیمتهای کیلوژی ۲۵ - ۲۰ تومان فروخته میشود .

کشاورزان زحمتکش شمال با توجه به این مسائل حاضر به فروش برنج با قیمت دولتی نیستند دولت در جهت مقابله با مقاومت کشاورزان و وادار کردن آنان به فروش اجباری محصولشان به حیل های متعددی متوسل گشته است از جمله کارخانه های برنج کوهی را به اشغال خود در آورده و بعضی مراجع کشاورزان برای جدا کردن شلتوک از برنج ، برنج آنان را ضبط میکند و همچنین جاده های منتهی به شهرها را به اشغال در آورده و کشاورزان را در حین حمل برنج از روستا به شهر غافلگیر کرد

مسئله خرید برنج از کشاورزان و موضوع مقاومت آنان از تحویل - برنج خود به دولت ، طی ماههای اخیر موجب درگیریهای حساسی بین کشاورزان و عوامل رژیم شده است . بطوریکه علیرغم پیش بینی دولت مبنی بر خرید بیش از ۲۰۰ میلیون تن برنج از استانهای شمالی کشور ، تا کنون بر طبق اعترافات مقامات رژیم تنها ۱۳ میلیون تن برنج از استان گیلان و شاید در همین حدود از مازندران انهم با زور و اجبار و در سایه سر نیزه چکمه پوشان رژیم خریداری شده است .

علت مقابله شالیکاران با فروش - اجباری برنج به دولت بدین دلیل است که قیمت اعلام شده از سوی دولت بالغ بر ۱۹ - ۲۴ تومان در هر کیلو با احتساب مرغوبیت برنج میباشد و حال آن که با توجه به تورم افسار گسیخته که موجب افزایش سرسام آور - قیمت ها شده است شالیکاران با این قیمت حتی موفق نمیشوند مخارج کشت و برداشت محصول خود را بدست آورند و این در حالیست که اکثر برنجکاران باید مخارج سالانه زندگی روزمره